

## ترکیه عثمانی؛ مدخلی بر نگاه سفرنامه نویسان ایرانی روزگار قاجاریه



داریوش رحمانیان<sup>۱</sup>

### چکیده

در سده ۱۹ میلادی، شمار قابل توجهی از ایرانیان به دلایل گوناگون به ترکیه عثمانی رفت و آمد داشتند و یا در آنجا مقیم بودند. در متون فارسی روزگار قاجاریه با انبوهی از داده‌های مربوط به ترکیه عثمانی روبرو هستیم که وجوه گوناگون اوضاع و احوال تمدنی و فرهنگی آن دیار را بازنمایی کرده‌اند. گردآوری، تنظیم، تدوین و تجزیه و تحلیل علمی این‌گونه داده‌ها برای شناخت تجدد و نوگرایی در هر دو کشور مهم و سودمند می‌نماید. یکی از انواع متون یاد شده سفرنامه‌هایی هستند که گاه گزارش‌های در خور توجهی را درباره ترکیه عثمانی درج کرده‌اند. از میان آن‌ها می‌توان به سفرنامه میرزا صالح شیرازی، سفرنامه آجودان باشی، سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام الملک و سفرنامه حاج سیاح محلاتی اشاره کرد. در مقاله حاضر به سفرنامه میرزا صالح شیرازی می‌پردازیم که در تاریخ ورود افکار و آموزه‌های جدید به ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. نکته جالب توجه این است که در سفرنامه میرزا صالح برای نخستین بار تاریخ‌های روسیه، انگلستان و ترکیه عثمانی به زبان فارسی نگارش شده است. آن‌گونه که از اشارات پرمعنی میرزا صالح برمی‌آید، انگیزه او از پرداختن به تاریخ این کشورها آن است که راز ترقی و انحطاط‌شان را دریابد. همان‌گونه که در تاریخ میرزا صالح شیرازی، هم‌زمان خواننده سیر ترقی و تعالی روسیه و انگلستان را می‌خواند، به روند زوال و انحطاط عثمانی پس از یک دوره اقتدار و عظمت پی می‌برد.

### واژگان کلیدی:

ایران، ترکیه، سفرنامه نویسان ایرانی، سفرنامه میرزا صالح شیرازی

<sup>۱</sup> تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۸/۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۱۱/۲۵

در روزگار قاجاریه، ترکیه عثمانی یکی از مجاری ورود اندیشه تجدد به ایران بود. هر دو کشور کم و بیش در برابر غرب در وضعیت مشابهی به سر می‌بردند و هر دو، نظام‌های استبدادی داشتند و با بی قانونی و ضعف دانش و فرهنگ مواجه بودند. این دو کشور که فشار روز افزون قدرت‌های استعماری بر آنها سنگینی می‌کرد و دورانی از اقتدار و عظمت قدیم را پس پشت داشتند، اینک در سراسیم زوال و انحطاط بودند. در برابر این وضعیت بود که روند تجدد خواهی و اصلاحات در ایران و ترکیه آغاز شد و تجربه‌های نسبتاً مشابهی را برای آنها رقم زد. این روند در هر دو کشور از تأثیر و تأثرات متقابل خالی نبود؛ نخبگان تجددخواه ایرانی به درجات از روند تجدد و اصلاحات عثمانی تأثیر پذیرفتند و متقابلاً در آن اثر گذاشتند. در این میان می‌توان از چهره‌های شاخصی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی، میرزا فتحعلی آخوندزاده و میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله یاد کرد.

با توجه به مقدمات فوق، آگاهی یافتن از تصور، شناخت و آگاهی مردم و نخبگان هر دو کشور از یکدیگر ضروری است. در آثار، مکتوبات، اسناد و گزارش‌های گوناگون روزگار قاجار اطلاعات بسیار ارزنده‌ای از اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عثمانی بر جای مانده است. چنانچه این اطلاعات پراکنده از میان متون تاریخی، ادبی، اسناد و گزارش‌های سیاسی، سفرنامه‌های سیاحان، سفیران، زوار، حجاج و روزنامه‌های آن زمان گردآوری و طبقه بندی شوند، می‌توان شناخت و آگاهی ایرانیان از وضعیت سیاسی و فرهنگی تمدن ترکیه عثمانی را مورد مطالعه علمی قرار داد و از تأثیر متقابل هر دو ملت در روند نوگرایی و تجدد خواهی اطلاعات دقیق‌تری حاصل کرد. انجام چنین کاری از ضرورت‌ها و فوریت‌های تحقیق در تاریخ اندیشه تجدد در ایران است. در مقاله حاضر، به عنوان نمونه‌ای از آثاری که اطلاعات و داوری‌های مهم را در این خصوص ثبت و ضبط کرده‌اند، بر سفر نامه میرزا صالح شیرازی تمرکز کرده‌ایم. امید آنکه این مقاله دریچه‌ای به سوی زمینه تحقیقی یاد شده بگشاید.

سفرنامه‌ها در تاریخ اندیشه تجدد در ایران جایگاه ویژه‌ای دارند. متون سفرنامه‌ای از نخستین مجاری ورود اندیشه‌ها و آموزه‌های جدید به حوزه زبان فارسی و تفکر و معرفت

ایرانی بودند. نخستین آگاهی‌های ایرانیان از اوضاع و احوال جهان جدید در سفرنامه‌ها درج شد. از میان این سفرنامه‌های اولیه می‌توان به آثاری چون شگرف نامه ولایت اثر منشی اعتصام الدین، تاریخ جدید اثر منشی اسماعیل، مسیر طالبی اثر میرزا ابوطالب اصفهانی، سفرنامه سلطان الواعظین اثر ابوالفتح حسینی، سفرنامه خسرو میرزا نوشته میرزا مصطفی افشار، سفرنامه رضا قلی میرزا قاجار و سفرنامه میرزا صالح شیرازی اشاره کرد. (رحمانیان، ۱۳۸۸) محققان تاریخ اندیشه تجدد در ایران معتقدند که سفرنامه میرزا صالح شیرازی از مهم‌ترین نوشته‌های اولیه در معرفی فرهنگ و تمدن جدید، به ویژه دموکراسی جدید غربی در حوزه زبان فارسی است. به همین سبب همواره مورد توجه و شرح و تفسیر محققان قرار گرفته است. (آدمیت، ۱۳۴۰: ۲۴-۳۶ / حائری، ۱۳۷۴: ۱۰۴-۹۸ / طباطبایی، ۱۳۸۰: ۲۷۴-۲۶۴) با این حال تا آنجا که بر نویسنده معلوم شده است، آن بخش از این سفرنامه که در باره تاریخ و فرهنگ ترکیه عثمانی و گزارش اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن کشور در اوایل سده ۱۹ م. است، تاکنون مورد توجه و تجزیه و تحلیل محققان قرار نگرفته است. در حالی که گذشته از تواریخی که در قرون پیشین به زبان فارسی در باره تاریخ عثمانی نوشته شده است، آن بخش از سفرنامه میرزا صالح شیرازی که به تاریخ عثمانی پرداخته، نخستین تاریخ منظم این دوره به زبان فارسی در عصر جدید بود که بیرون از دربار و قلمرو عثمانی به رشته تحریر در آمده است.

میرزا صالح شیرازی در زمره دانشجویانی بود که عباس میرزا، نایب‌السلطنه در سال ۱۸۱۵ م. برای فراگیری دانش و فن جدید به انگلستان فرستاد. (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴: ۳۲۰ / رینگر، ۱۳۷۲)

میرزا صالح، علاقه و گرایش ویژه‌ای به تاریخ کشورها و ملت‌ها نشان داد و درباره تاریخ روسیه و انگلستان به تفصیل سخن رانده است. آنچه که وی در باره تاریخ کشورهای یاد شده در سفرنامه خود به نگارش درآورده است، نخستین تاریخ منظم و مدون آن کشورها به زبان فارسی است. او در سرآغاز شرح تاریخ انگلستان می‌گوید که هدفش نگارش

تاریخ پادشاهان نیست، بلکه شرح علل و عوامل ترقی و تعالی آن کشور است که این مسأله را می‌توان به عنوان نخستین نقد تلویحی به سنت تاریخ‌نویسی شاهنامه‌ای در زبان فارسی به شمار آورد. (رحمانیان، ۱۳۸۲: ۳۳-۳۵) همچنین با توجه به پیرنگ شدن وضعیت زوال و انحطاط عثمانی در روایت میرزا صالح و اشارات در خور توجه وی به خودکامگی، بی‌قانونی بی‌دانشی، خرافه‌گرایی و استبداد، می‌توان چنین انگاشت که هدف اصلی وی از نگارش تاریخ عثمانی نشان دادن عوامل زوال و انحطاط عثمانی بوده است. به دیگر سخن، همان‌گونه که در روایت وی ملت گمنام و کوچک انگلیس در سایه آزادی، قانون و مردم سالاری در راه عزت و سربلندی گام نهاد و به یکی از بزرگترین قدرت‌های جهان تبدیل شد. دولت و ملت عثمانی پس از یک دوره عظمت و اقتدار به سبب ظلم و بی‌قانونی و خودکامگی به سرانجام زوال و انحطاط افتاد. میرزا صالح در گزارش خود اوضاع ترکیه عثمانی را با اوضاع قدیم آن کشور مقایسه می‌کند. برای نمونه، طی گزارشی در باره جمعیت ترکیه می‌گوید که جمعیت این کشور دویست سال پیش پنجاه میلیون نفر بوده و امروز به هیجده میلیون تن رسیده است. (مجموعه سفرنامه‌های میرزا صالح شیرازی: ۴۰۰-۳۹۸) این مقایسه خود به خود وضعیت زوال و انحطاط عثمانی را به ذهن خواننده القاء می‌کند. کاهش فتوحات، از دست رفتن پی در پی مستملکات و قلمرو، قحطی و خشکسالی پی در پی و احتکار از علل کاهش جمعیت عثمانی یاد می‌شود، اما میرزا صالح به طور کلی چیرگی ظلم و بیداد را به عنوان علت اصلی مطرح کرده است و در جایی از سفرنامه‌اش می‌نویسد: «... از قرار تاریخ ترکیه در سال ۱۱۷۹ دویست و ده از دهات معظم ترکیه، به علت ظلم ترکیه، به فاصله شش ماه، شکست کرده، همه پریشان شده. چنانکه از این قرار می‌آید که دویست سال قبل الی حال ولایات ترکیه روی به هزیمت و تلف گذارده‌اند، یک صد سال دیگر به همین منوال بگذرد، به کلی ولایت مزبورہ نسیاً منسیاً می‌شود. مثل ولایات گریک و روم که حال به جز نامی از آن باقی نمانده است.» (همان: ۳۹۹-۴۰۰)

در روایت میرزا صالح، مقایسه وضعیت ینی چری‌ها در تاریخ گذشته و اکنون عثمانی حائز اهمیت است؛ وی شرحی کوتاه در باره چگونگی پیدایش سپاه ینی چری می‌آورد و نقش آنان را در جهانگشایی شاهان عثمانی و گسترش پرشتاب قلمرو آن دولت باز نموده و می‌گوید: ینی چری در آن روزگار بهترین سپاه نظام در کل اروپا بود، اما به سبب اعتیاد به جنگ در دوره های صلح و آرامش نیز پی در پی طغیان و بلوا می‌کردند، تا جایی که شاهان و وزرای عثمانی در تضعیف آنان کوشیدند و سرانجام کار به جایی کشید که: «به این نهج که بالفعل هر لوطی و اوباش و بیکاره و بی عاری را داخل به آن طایفه نموده. قومی که دویست سال قبل سبب فخر و عزت سپاه و دولت عثمانی بودند، بالفعل برخی را به دزدی گرفته، به دار می‌کشند و بعضی در قمارخانه‌ها و شراب‌خانه‌ها مشغول به خدمات رذیله گردیده چنانکه حال طایفه مزبور ذیل‌ترین و بدنام‌ترین و بی اعتبارترین کل ممالک ترکیه بلکه کل دنیا هستند. مردمی بی آبرو و بدنام و خاین و بی غیرت و بی وفا و نمک ناشناس‌اند...» (همان: ۳۹۳)

میرزا صالح که شیفته آزادی و فرهنگ و دانش جدید غرب شده بود و در آرزوی تجدد و ترقی ایران و کشورهای دیگر جهان اسلام به سر می‌برد، نظامیان و روحانیان عثمانی را دو مانع جدی بر سر راه اصلاحات و نوسازی شمرده و اشارات قابل تأملی بر مخالفت‌های این دو گروه با اندیشه‌ها و برنامه‌های نوگرایانه دارد. حتی نفوذ علمای دینی و اهل شریعت در دولت عثمانی را یکی از علل اصلی ضعف و انحطاط آن دولت محسوب می‌کند. در سخنان وی نوعی گرایش سکولار به چشم می‌خورد: «...فی الحقیقه هر وقت به نظر دقت ملاحظه کنیم، مادامی که سلسله علیه ملاها خود را مدخل به دولت عثمانی نمایند هرگز دولت مزبور ترقی نخواهد کرد. سلطان سلیم را اراده اینکه نظام فرنگستان را در اسلامبول آورد، ملاها... نظام را خلاف شرع دانسته، از راه غرض او را منع نموده و ایضاً سلطان مذکور می‌خواست علوم فرنگستان را به اسلامبول آورده، از راه حسد او را مانع شده، نگذاشتند که جمعی از جاده نادانی و حماقت بیرون آیند...» (همان: ۳۹۱)

درباره مخالفت نظامیان ترکیه با تنظیمات و اخذ و اقتباس نظم فرنگستان می‌نویسد: «... سپاه ترکیه مطلقاً نظام قبول نمی‌کنند. با وجود اینکه به کرات پنجاه هزار نفر از ترک مقابل پنج هزار نفر روسیه شده و شکست خورده، معهداً سپاه خود را به نظام نمی‌آورند و هر کدام از سلاطین قبول کنند که نظام فرنگستان را آورند، سپاه ترکیه قبول نمی‌کنند...» (همان: ۳۹۵)

درباره نظام اداری و تشکیلات دولت عثمانی، وضعیت مالی و نظام مالیاتی، اوضاع بازرگانی، خوراک، پوشاک، وضعیت معماری و خانه‌ها، دستگاه قضایی و محکمه شرع، آب و هوا، وضعیت بهداشتی، وضعیت راه‌ها، راهداری، امور گمرک مردم استانبول، در سفرنامه میرزا صالح اشارات و گزارش‌های کوتاه وجود دارد که ذکر همه آن‌ها بیرون از حوصله گفتار حاضر است.

### نتیجه‌گیری

همان‌گونه که مشاهده شد، میرزا صالح شیرازی تلاش می‌کند که در بخش آخر از سفرنامه خود که حاوی نخستین تاریخ ترکیه عثمانی به زبان فارسی است، سیر زوال و انحطاط عثمانی را شرح دهد. چنانچه این بخش از سفرنامه با بخش‌هایی که حاوی تاریخ روسیه و تاریخ انگلستان است به طور تطبیقی مطالعه شود، به روشنی این نکته را در می‌یابیم که او تلاش می‌کند به خواننده خود نشان دهد که قانون مداری و پیوند میان دولت و ملت و عدالت و دادگری باعث ترقی و عظمت و در عوض شیوع ظلم و بیداد و بی‌اعتنایی به قانون و حقوق مردم زمینه ساز زوال و انحطاط خواهد بود. شاید بتوان میرزا صالح شیرازی را در زمره مورخان نواندیشی به شمار آورد که فایده معرفت و حکمت تاریخ را آسیب شناسی سیاسی و اجتماعی دانسته و با نگارش تاریخ در پی اصلاح و ارائه آگاهی هستند.

## منابع و مأخذ

- آدمیت، فریدون (۱۳۴۰)، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، تهران: سخن.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۷۴)، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از دیدگاه اندیشه گران؛ گذری بر نوشته‌های پارسی در دو سده واپسین، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- رائین، اسماعیل (۱۳۴۷)، سفرنامه میرزا صالح شیرازی، تهران: بی جا
- رحمانیان، داریوش (۱۳۸۸)، تاریخ تفکر سیاسی در دوره قاجاریه، تهران: دانشگاه پیام نور.
- (۱۳۸۲)، تاریخ علت شناسی انحطاط و عقب ماندگی ایرانیان و مسلمین، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- رینگر، مونیکا ام. (۱۳۸۵)، آموزش، دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار، ترجمه: مهدی قره داغی، تهران: ققنوس.
- سرمد، غلامعلی (۱۳۷۲)، اعزام محصل به خارج از کشور در دوره قاجاریه، تهران: بنیاد.
- شهیدی، همایون (۱۳۶۲)، گزارش سفر میرزا صالح شیرازی، تهران: بی جا.
- شیرازی، میرزا صالح (۱۳۶۴)، مجموعه سفرنامه‌های میرزا صالح شیرازی، تصحیح و توضیح: غلامحسین میرزا صالح، تهران: نشر تاریخ ایران.
- طباطبائی، سیدجواد (۱۳۸۰)، دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران، تهران: نگاه معاصر.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۵۴)، تاریخ مؤسسات تمدنی در ایران، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محبوبی اردکانی، حسین «دومین کاروان معرفت» مجله یغما، سال ۱۸.
- مینوی، مجتبی «اولین کاروان معرفت» مجله یغما، سال ۶، شماره ۵ و ۴.





